

نمایشگاه تابلوهای هنری گروه مردمی «آرتوان» آغاز شد

فرزندان زمین

در خدمت نیازمندان



هم کمکی به آن ها شود و هم به فعالیت های ما کمک کنند.

«اما جمع آوری سربطری در ایران، برنامه ای است که از تبریز شروع شد. اسفند ۹۳ بود که خبر فعالیت گروهی در تبریز که سربطری جمع می کردند، در شهرها پیچید و یک موج تبلیغاتی خوب در جامعه ایجاد کرد و ترس این کار جدید، در همه ما که کار طبیعت دوستانه می کردیم، ریخت. این شد که ما با توجه به فعالیتی که از قبل می کردیم و ظرفیتی که به لحاظ نیرویی داشتیم، تصمیم گرفتیم با ۵۰ نفر از بچه های فعال، گروهی را تشکیل دهیم به نام «آرتوان» که به معنای «یاری کننده درست کاران» است. بنابراین تیرماه ۹۴ فعالیت ما به طور رسمی و با همه خوشی ها و سختی هایش آغاز شد.

سربطری، یک نماد است

خانم حانمی، همسر آقای میزانی هم پایه ای همسرش در گروه فعالیت می کند و حتی گفته می شود اصل تشکیل این گروه از دغدغه های او سرچشمه گرفته است. حانمی، درباره چرایی انتخاب سر بطری برای تفکیک زباله

درود، حدود ۲۵۰ نفر شرکت کردند. مشارکت در برنامه های دیگر هم زیر صد نفر نبود.

تبریز: پیشگام شهرهای ایران در جمع آوری سربطری

«محسن میزانی» معتقد است که ایده جمع آوری سربطری، ایده ای کاملاً جهانی و نشأت گرفته از ژاپن است و می گوید: «حتی آن ها فراتر از ما فکر می کنند و درآمدی را که از این راه به دست می آورند، صرف خرید و اکسن فلج اطفال می کنند و به آفریقای فرستند. کاری که ما هم قصد انجام دادن مشابه آن را داشتیم اما به دلایلی میسر نشد. نمونه این کار در آمریکا نیز انجام می شود؛ با این تفاوت که نوع کمک به نیازمندان در آنجا تبدیل به ویلچر می شود. بعدها این کار در ترکیه انجام شد و بعد هم وارد تبریز و ایران شد. اما هیچ وقت نگفته ایم که فقط ویلچر هدیه می دهیم. ما جمع آوری سربطری را برای کمک و رفع مایحتاج نیازمندان انجام می دهیم؛ نه فقط تهیه ویلچر که تا الان به ۴۰ نیازمند اهدا کرده ایم».

میزانی برای اثبات ادعایش می گوید: ما تاکنون از محل درآمد فروش سربطری، ۱۲ میلیون تومان برای اشتغال کارتن خواب های سرای نجات مولا علی (ع) کمک کرده ایم. امسال هم ۱۰ میلیون تومان به یک مجموعه خیریه کمک کردیم تا بتوانند یک خودرو و نسیان و انت تهیه کنند تا

محسن میزانی، مدیر انجمن آرتوان، کارمندان را تأمین اجتماعی است که ظاهراً تأمین نشدن دغدغه هایش توسط این سازمان، سال هاست که او را یاور مادر زمین و محیط زیست کرده است و الان نزدیک دو سال است که کارش شده فرهنگ سازی تفکیک زباله از طریق جمع آوری هدفمند سربطری های پلاستیکی.

«قبل تر از اینکه آرتوان وجود داشته باشد یا جمع آوری در بطری انجام بشود، ما گروهی داشتیم به نام فترگران طبیعت خراسان رضوی که در آن پاک سازی طبیعت به صورت داوطلبانه بود. به این صورت که جمعه ها یک منطقه را مشخص می کردیم و با هزینه شخصی خودمان دور هم جمع می شدیم و منطقه را پاک سازی می کردیم. متأسفانه هر نقطه از ایران را هم که نگاه بکنی پر از زباله است؛ برای همین می گفتیم ما روزی بیکار می شویم که هیچ زباله ای وجود نداشته باشد. این ها را میزانی می گوید و از موفقیت های گروه «فترگران طبیعت» که شاخه ای از آن حالا تبدیل به «آرتوان» شده است، تعریف می کند: پیش از وقفه ای که در فعالیت سمن های (سازمان مردم نهاد) کشور افتاده بود، فترگران طبیعت خراسان رضوی، بزرگترین گروه شرق کشور از جهت تعداد عضو بود. چنانچه طی یک فراخوان برای پاک سازی محیط زیست رودخانه روستای

ما تاکنون از

محل درآمد

فروش سر

بطری، ۱۲ میلیون

تومان برای

اشتغال کارتن

خواب ها کمک

کرده ایم. امسال

هم ۱۰ میلیون

تومان به یک

مجموعه خیریه

کمک کردیم

فاطمی نسب - ساختمانی شیک و منطقه ای خوب در «سلمان فارسی» ذهنمان را می برد به سمت موسسه های اشرافی با آدم هایی بازاری که هزار جور فعالیت اقتصادی می کنند. گرچه خیلی زود این تصور رنگ می بازد و عاریه ای بودن این مکان و فعالیت های خودجوش گروه «آرتوان» با همه محدودیت ها و دیده نشدن هایش، گزاره دیگری را در ذهن تداعی می کند: گزاره ای از جنس عشق به طبیعت و کمک به انسان های دیگر.

به در نیمه باز نزدیک می شوم؛ می رسم پشت در؛ گلویی صاف می کنم و رنگ هفتم را می زنم؛ بعد از اینکه خودم را معرفی می کنم، بلافاصله صدایی از پشت آیفون مرا به طبقه چهارم ساختمان دعوت می کند. سوار آسانسور می شوم و همزمان با ورود فتن با سر و صورت تم به این مسئله فکر می کنم که چرا سربطری؟ خوب مگر قحطی زباله تفکیک پذیر است که سراغ سربطری به این کوچکی و بی ارزشی رفته اند؟ وارد دفتر که می شوم جوانی نسبتاً قدبلند و چهارشانه روی صندلی نشسته است و از دور خوش آمد می گوید. یک دستش از کتف و یک پایش از زیر زانو در کج است و این طور که خودش می گوید، یکی از سه نجات یافته تصادف خونین اخیر جاده اسفراین است؛ تصادفی که ۵ نفر از هم وطنانمان را به کام مرگ کشانده است. کم کم بقیه فعالان این گروه هم به جمع ما اضافه می شوند تا گفت و گویمان کامل تر شود.

